

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

و السَّمَاءِ وَ الطَّارِقِ (1)

قسم به آسمان و به الطارق. (1)

و مَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (2)

و چه دانستی تو که چیست الطارق؟ (2)

النَّجْمِ الثَّاقِبِ (3)

ستاره نئی سوراخ کننده. (3)

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (4)

نیست هر نفسی مگر بر آن است نگهبانی. (4)

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (5)

پس باید بنگرد انسان که از چه آفریده شده است؟ (5)

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (6)

آفریده شده است از آب جهنده. (6)

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ (7)

بیرون می آید از میان استخوان پشت و قبرغه ها. (7)

إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (8)

هر آینه خدا است بر برگرداندن او البته توانا. (8)

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (9)

روزی که آزموده شود راز ها. (9)

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَ لَا نَاصِرٍ (10)

پس نباشد برای او از توانائی و نه یاری دهنده ئی. (10)

وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (11)

قسم به آسمان صاحب برگردانیدن. (11)

وَ الْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (12)

قسم به زمین صاحب شگافتن. (12)

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (13)

هر آئینه آن البته سخن فیصله کننده ئی است. (13)

وَ مَا هُوَ بِالْهَزْلِ (14)

و نیست آن سخن برای سرگرمی. (14)

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (15)

هر آئینه ایشان تدبیر می کنند تدبیری. (15)

وَ أَكِيدُ كَيْدًا (16)

و تدبیر می کنم من تدبیری. (16)

فَمَهْلٍ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا (17)

پس مهلت ده نامعتقدان را، مهلت ده ایشان را اندکی. (17)